

# روزنامه همدلی

<b>روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران</b>
<b>یکشنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۱</b> ۱۶ جمادی الاول ۱۴۴۴ ۱۱ دسامبر ۲۰۲۲ - شماره ۲۰۸۱ - سال هفتم
<b>۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان - ضرب کیفیت ۶۷۴</b>
<p> <span>hamdelidaily.ir</span> <span>newspaper.hamdeli@gmail.com</span> <span>www.hamdeli.com</span> <span>t.me/HamdeliNews</span></p>
<b>صاحب امتیاز</b> ، مدیر مسئول: <b>ولی‌الله شجاع‌پوریان</b>
<b>چاپ:</b> ۴۴۵۳۳۷۲۵ - ۰۲۱
<b>نشانی:</b> تهران- میدان انقلاب - خیابان کارگر شمالی- کوچه مهر- پلاک ۶- طبقه اول- واحد ۳
<b>تلفکس:</b> ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۵ - ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۱

## میدانها

## کشف گورستان دوره ساسانی در قلعه اولتان



پارس‌آباد دشت مغان جزو حوزه نفوذ دولت ساسانی بوده است یافته‌های باستان‌شناسی در گورستان اولتان قالاسی نشان می‌دهد در دوره ساسانی دشت مغان جزو حوزه نفوذ دولت ساسانی بوده است اما آیین‌ها و سنت‌های فرهنگی دوره اشکانی بر منطقه حاکم بوده به طوری که حتی با ورود اسلام به منطقه آذربایجان و دشت مغان برخی از این سنت‌ها از جمله سنت تدفین تابوتی رایج بوده است. اثر تاریخی اولتان قالاسی در ۱۲کیلومتری غرب شهر پارس‌آباد در ساحل رود ارس واقع شده است، اولتان قالاسی یکی از مهم‌ترین شهرهای دوره ساسانی و اسلامی آذربایجان، علی‌الخصوص دشت مغان است که در مسیر راه تجاری و ارتباطی «قفقاز یولی» (مسیر قفقاز) یا «ئال یولی» واقع شده و نقش مهمی در ارتباطات فرهنگی قفقاز با مناطق داخلی فلات ایران داشته است. «ولتان قالاسی» دارای ارگ مرکزی، بخش صنعت‌گران، خندق، کانال‌های آبرسانی و گورستان است که جمعا محدوده‌ای به وسعت بیش از ۷۰هکتار را دربرمی‌گیرد. این اثر سال ۱۳۷۸ با شماره ۲۶۵۴ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید و از سال ۱۳۹۸ دارای حریم محبوب در شورای حرایم وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی است. به هنگام احداث طرح کشت و صنعت مغان برای اولین بار محوطه اولتان قالاسی در بررسی باستان‌شناسی اداره‌کل باستان‌شناسی به سرپرستی ایرج حریرچیان و محمود کردوانی در سال ۱۳۵۱ شناسایی شد. کاوش اضطراری اولتان قالاسی در گورستان باستانی این محوطه به دنبال عملیات راهسازی و آشکار شدن قبور و اشیای تاریخی انجام شد. کاوش این قبور مکشوفه از اولتان قالاسی در شهرستان پارس‌آباد منجر به شناسایی مهم‌ترین گورستان دوره ساسانی منطقه شمال غرب ایران در حوزه قفقاز شد. در نتیجه کاوش مهم‌ترین گورستان دوره ساسانی و اوایل اسلام منطقه شمال غرب و حوزه قفقاز شناسایی شد. وجود داده‌های باستان‌شناسی به‌خصوص سفال‌ها، ابزارآلات رزم و ریسندگی در حین کاوش قابل مقایسه با آثار دوره اشکانی مکشوفه از گورخرم‌های بخش موزان گرمی بود، از همین رو ابتدا هیات کاوش گمانگاری گورستان را مربوط به دوره اشکانی معرفی کرد. اما مطالعات بیشتر نشان داد سنت‌های فرهنگی حاکم بر دوره اشکانی منطقه تا دوره ساسانی تداوم یافته است. در دوره ساسانی منطقه بلاسگان (دشت مغان) جزو مناطق مرزی بین خزرها و دولت‌های ساسانی بوده، گاهی مستقل، گاهی تابع دولت خزرها و گاهی تابع دولت

## عاقبت تاریخی

## روزی که آلفرد نوبل از دنیا رفت



آلفرد برنهارد نوبل«شیمی‌دان، مهندس، مبتکر و مخترع دینامیت ۲۱اکتبر سال ۱۸۳۳ در شهر استکهلم کشور سوئد متولد شد. آلفرد نوبل، فرزند سوم از هشت فرزند«امانوئل نوبل» و«آندریته آلسن» بود. در سال ۱۸۴۲ او همراه با خانواده‌اش به سوی پترزبورگ مهاجرت کرد. در آنجا پدرش کارخانه تسلیحات‌سازی تاسیس کرده بود و مین‌های آبی می‌ساخت. این شرکت خانوادگی، بعد از مدتی، ورشکسته شد و آلفرد، به همراه خانواده‌اش به آمریکا رفت. در آنجا وی، تمام وقت خود را به تحقیق درباره مواد منفجره، مخصوصا این‌سازی و استفاده بهتر از نیتروگلیسرین پرداخت. نوبل دریافت که اگر نیتروگلیسرین جذب یک ماده خشن مانند دیاتومایت شود، در هنگام جابجایی به مراتب امن‌تر خواهد بود و آن مخلوط را در سال ۱۸۶۷ به نام دینامیت ثبت کرد. دینامیت اولین ماده منفجره قابل کنترلی به حساب می‌رود که از باروت قدرت بیشتری دارد. این ماده ابتدا با نام «گرد منفجره نوبل» فروخته می‌شد، ولی بعد از معرفی شدنش، شهرت بسیاری یافت و به عنوان جایگزین مطمئنی برای باروت و نیتروگلیسرین مطرح شد. نوبل در سال۱۸۹۴ کارخانه اسلحه‌سازی خود به نام «بوفورس»را تاسیس کرد و تا روز مرگش در آنجا فعالیت داشت. در تاریخ ۲۷نوامبر ۱۸۹۵ در باشگاه نروژی‌ها-سوئدی‌ها در پاریس، آلفرد نوبل آخرین وصیت‌نامه خود را امضا کرد و بیشتر دارایی خود را به جایزه‌ای اختصاص داد تا همه ساله بدون توجه به ملیتی خاص، به افراد شایسته اهدا شود. وی در آخرین وصیت‌نامه خود سرمایه حیرت‌انگیزش را برای تأمین هزینه‌های جایزه نوبل اختصاص داد. او ۱۰دسامبر سال ۱۸۹۶ بر اثر سکت قلبی درگذشت و مبلغ ۳۱میلیون کرون سوئد، حدودا معادل ۴۰۲میلیون دلار آمریکا به جایزه مذکور تعلق یافت. مقبره وی در «نورآلگروانینگز-پلاتسن» در استکهلم قرار دارد. عنصر شیمیایی «نوبلیوم» نیز به احترام او نام‌گذاری شده‌است. برندگان چه چیزی دریافت می‌کنند؟ جوایز شاخه‌های پزشکی،

## یاد همسر و فرزندان محصله

نگاهی به دفتر شعر«در نتوانستن برابریم دیگر» آخرین برگ سفرنامه هرمز علی‌پور

## کلماتی که هنوز خاکستری داغ دارند



فیض شریفی

منتقد و پژوهشگر ادبیات

درهم نافته گوتیکی عواطف و اندیشه‌ها، وصفی عجیب از ایستار شاعر در این زمان نسبت به گذشته به‌دست می‌دهد. شاعر گرسنه برای خریدن نان از آتاقش بیرون می‌رود، در حیاط گربه‌ای می‌بیند که ماسک به صورتش زده‌است، به او خطاب می‌کند که تو از من خوشبخت‌تری. او به دوستش می‌گوید:«قبول دارم که در کوچه‌های گلی به بازی یکی بودیم/ یا که برابر همه در جوانی با آرزوهایی داشتیم/ نه تو می‌توانسی درپهردری‌های مرا که وحشت می‌کنی…» سرگ و درپهردی و تنهایی و ترس در وجود شاعر رخنه کرده است. او در این دفتر هرگز به شعر ناب نمی‌اندیشد، او بی‌اعتنا به هر بهایی که برایش تمام شود، خود را از دروغ‌ها، یعنی از ادبیات صرف آزاد می‌کند. شاعر در خودش نفوذ می‌کند و به کاوش شخصیت خویش می‌پردازد، دچار تنش‌های روحی شده است، برنامه اخبارهای بد را از برنامه روزانه‌اش حذف کرده است و با«همان شلخته‌گی صادقانه»اش به گوشه آتاقش می‌رود و کیف و کوله‌اش را برمی‌دارد: «خیال می‌کردم مسافری هستم که/ بلیت افغانستانش را آماده است/ همسرم به من نگاه می‌کرد و گریه نمی‌خواستم جان‌به‌سر کنم کسی را/ دوست هم نداشتم خودم را بکشم». شاعر، پریشان است، واله و دیوانه در خیال کوله‌بارش را بر دوش می‌گذارد، می‌خواهد به افغانستان برود، چرا افغانستان؟ نمی‌گوید، شاید چون افغانستان گرسنه و سردرگم است، بلاتکلیف است، نمی‌خواهد در خانه بماند، نمی‌خواهد همسرش را کلافه کند، نمی‌خواهد او را جان‌به‌سر کند، نمی‌خواهد هم خودکشی کند، همسرش به حال راوی گریه می‌کند، دلش به حالش می‌سوزد، در نهایت شاعر در تعلیق می‌ماند. نیما نیز کوله‌بارش بر دوش بود، دست او بر او بود، او«غم این خفته چند»را داشت، می‌خواست آن‌ها را بیدار کند، ولی نمی‌تواند ولی هرمز از پس خودش هم بر نمی‌آید.

او میل به آزادی دارد«میل به آزادی در

سنگ هم هست، میل به زیبایی در چشم» او برای رهایی خود اقدامی نمی‌کند. عشق، عزلت، تنهایی، خواب و مرگ در این سروده‌ها، همه، در تعلیق می‌مانند و به آن‌ها پاسخی داده نمی‌شود. او می‌خواهد از جهان کنار بکشد و برتر از آن برمی‌گردد و کشنده می‌شود و در فراروند طبیعت گرفتار می‌شود: «من که در یک پلک زند/ به دست نیاورده‌ام تو را/ که هر وقت که حالم خوش نیست/ از یاد برده باشم/ات گلی که برای بوییدنش…» شعر تمام نمی‌شود و جمله چون شاعر، ناقص و فرعی و پیرو در خلاء رها می‌شود و این‌همه لایه‌های گوناگون، فیزیکی، روان‌شناسی، روان‌گردانی و سیر باطنی و گرسنگی درهم می‌پیچند و در هم تحلیل و ذوب می‌شوند. آنچه شاعر را در این میان نگاه داشته شعر است. «کلمات خیس و شعله‌ور»، است: «تنها به کلمات خیس من نگاه نکنید/ کلمات شعله‌ور کم نداشته/ نگذاشته از خود/ کلماتی که هنوز خاکستری داغ دارند/ بعضی که عمری بر نگاه سنگینی می‌کند/ با سینهام چه می‌کند، چه خواهد کرد/با ریشهای کهن‌سال و بیگانه با جانم.» از نگاه شاعر، سیراب شدن از عشق، قسمی زندگی و قسمی از مرگ است و محبوبش را، شعرش را، مانند حضوری شفاف و شبح‌گون به تصور آورد که مانند آینه‌ای در برابر آینه اندیشه‌اش بگذرد. شعرهای مرگ‌اندیشانه هرمز علی‌پور، مخاطب را به یاد«گورستانی ساحلی و دریایی»بل والری می‌اندازد، والری این گورستان را این‌گونه به وصف درمی‌آورد:«جایی که این‌همه مرمر بر روی این همه سایه‌ها می‌لرزد…» ای نیم‌روز، نیم‌روز بی‌جنیش/ من در تو همان دگرگونی پنهان‌ام/ خراشی هستم بر الماس عظیم تو!» شعر والری و هرمز علی‌پور بین این جهان لرزان و مرئی در آمد و شد است. آنچه آغ‌ن‌ها را از این لرزش باز می‌دارد شعر است:«در رنج شاعران و اندوه آن‌هاست/ که کلماتی بر مرگ غلبه می‌کند/ بگذریم.»

## روزنامه‌ها

کردیم بسی جام لبالب خالی
تا بو که نهیم لب بران لب حالی
ترسنده ازان شدم که ناگاه ز جان
بی‌وصل لبت کنیم قالب خالی

## منتقدان کلام

**کوپ سنگ:**کوپ‌های سنگ معدن در کارخانه، قطعات بزرگ سنگی استخراج شده از معادن که غالبا به شکل مکعب مستطیل یا مربع هستند و گاه نیز به دلیل نوع استخراج، دارای شکل هندسی منظمی نیستند. این سنگ‌ها اصطلاحا کوپ نامیده می‌شود و جهت فرآوری و برش به کارخانه‌های سنگ‌بری انتقال داده می‌شود.

## مجازستان

■ هر کلمه‌ای رو چند بار پشت سر هم تکرار کنی واس‌ت عجیب و بی‌معنی می‌شه انگار می‌ری تو خلسه!» الان چن دقیقه‌ه است دارم به کلمه نعلبکی فکر می‌کنم. (استن)
■ بچه‌ها توهم خیلی بد و خطرناکه. توهم باهوش بودن، توهم محق بودن، توهم وای مچ‌تو گرفتم چه زرتکم من. به درصدی رو هم بنارید برای اینکه اشتباه می‌کنید و یکی میاد بیماری‌تونو می‌کوبونه تو صورت‌تون، آبروتون می‌ره. متوهم ناشید. (سارا استنلی)
■ یادتون باشه، یک تر پدر خیلی حرفه‌ای حتما از کارش خیلی پول در میاره. عقل سلیم این جور موقع‌ها می‌گه که اون تر پدر هم وقت و هم نیاز نداره که پول از کسی بگیره آموزش بنذاره، سیگنال بفروشه یا بکچ برای فروش تهیه کنه(срyпmо)
■ به روز که پول‌دار شده می‌ماشین می‌خرم واسه تصادف. به اول‌های که دول پلک کردن می‌زنم، با ماشینی که خلاف بیاد شاخ به شاخ می‌کنم، ماشینیایی که سر پیچ پارک می‌کنن رو از کمر می‌زنم. (Masoud BazmAra)

## دنیای علم

### یک سیاره فراخورشیدی داغ عجیب کشف شد

بر اساس تحقیقات جدید، سیاره‌ای به اندازه زمین که«جهنم»نامیده می‌شود، به شدت داغ شده است زیرا در امتداد خط استوای ستاره خود می‌چرخد. تمام سطح این «ابر زمین» اقیانوسی از گدازه است که دمای آن به حدود ۲۰۰۰درجه سانتی‌گراد می‌رسد. این سیاره سنگی که با نام مستعار«جانسن» شناخته می‌شود، یکی از عجیب‌وغریب‌ترین سیاره‌های فراخورشیدی کشف شده است. این سیاره به عنوان سیاره الماس نیز شناخته می‌شود زیرا فضای داخلی آن سرشار از کربن است که سنگ‌های قیمتی را تحت فشار شدید ایجاد می‌کند. این اطلاعات جدید توسط یک ابزار اکتشاف فضای که اندازه‌گیری‌های بسیار دقیقی از نور ستارگان را از ستاره نزدیک جانسن یعنی کوپرنیک، ثبت کرده، به دست آمده است.«لیلی ژائو»محقق ارشد این مطالعه و پژوهشگر مرکز موسسه فلاتیرون گفت: ما در مورد اینکه چگونه این منظومه چند سیاره‌ای به وضعیت فعلی خود رسیده است اطلاعاتی به دست آوردیم. دیگر سیارات کوپرنیک در مسیرهای مداری متفاوتی قرار دارند که حتی هرگز از بین ستاره و زمین عبور نمی‌کنند. اندازه‌گیری‌های نور با حرکت جانسن بین زمین و ستاره بسیار اندک تغییر می‌کرد. این نشان می‌دهد که این سیاره در مداری نسبتا تخت‌تر شکل گرفته است و در طول زمان به آرامی به سمت کوپرنیک حرکت می‌کند. دکتر ژائو می‌گوید، مسیر جانسن به نزدیک‌تر شدن تغییر می‌کند. دانشمندان امیدوارند مطالعه آنها درک دانشمندان از چگونگی شکل‌گیری و حرکت سیارات در طول تمام زمان‌ها را بهبود بخشد. جانسن در سال ۲۰۰۴ کشف شد و به اولین سیاره«ابر زمین»شناخته شده تبدیل شد. جرم این سیاره حدود هشت برابر جرم سیاره ما و اندازه آن نیز دو برابر پهنای سیاره ما است. جو آن غنی از هیدروژن است. هلیوم و به طور بالقوه سیانید هیدروژن نیز در آن وجود دارد. این اولین سیاره فراخورشیدی است که می‌شناسیم و با وجود سطح جهنمی‌اش، جو دارد.مدار جانسن دارای حداقل شعاع تقریبا دو میلیون کیلومتر است. ستاره شناسان معتقدند این سیاره حدود هشت میلیارد سال پیش شکل گرفته است. مدار آن به قدری به ابتدا دور کوپرنیک نزدیک است که اخترشناسان در ابتدا به وجود آن شک کردند. همان‌طور که کوپرنیک می‌چرخد، نیمی از آن ستاره به سمت ما می‌چرخد و نیمی دیگر در حال دور شدن است. این بدان معناست که نیمی از ستاره کمی آبی‌تر است و نیمی دیگر کمی قرمزتر است. بنابراین، اخترشناسان می‌توانند جانسن را با اندازه‌گیری زمانی که نور را از سمت قرمزتر، سمت آبی‌تر و قسمت میانی بدون تغییر مسدود می‌کند، ردیابی کنند. با این‌حال، تفاوت حاصل در نور ستارگان تقریبا بی‌اندازه کوچک است. این پیشرفت از طیف سنچ یا دقت بالا حاصل شد. این ابزار که در مکان قرارگیری تلسکوپ Lowell Discovery برای اریزون قرار دارد، حساسیت مورد نیاز برای مشاهده جابجایی‌های کوچک قرمز و آبی را ارائه می‌دهد. اندازه‌گیری‌های EXPRES نشان داد که مدار جانسن تقریبا با استوای کوپرنیک همسو است و این مسیری است که آن را منحصر به‌فرد می‌کند. به گفته محققان این برهم کنش‌ها جانسن را به سمت مکان جهنمی کنونی‌اش سوق داده است. با نزدیک شدن جانسن به کوپرنیک، گرانش ستاره به طور فزاینده‌ای مسلط‌تر شده است.از آنجایی که کوپرنیک در حال چرخش است، نیروی گریز از مرکز باعث شد بخش میانی آن کمی به سمت بیرون برآمده و بالا و پایین آن صاف شود. این روی گرانش احساس شده توسط جانسن تأثیر گذاشت و سیاره را به سمت استوای ستاره کشاند.

### مرگ عجیب خبرنگار آمریکایی در جریان دیدار آرژانتین – هلند



یک خبرنگار آمریکایی در جریان پوشش خبری جام جهانی ۲۰۲۲ درگذشت. گران‌ت وال، روزنامه‌نگار آمریکایی که سابقه کار در Sport Illustrated را هم دارد، در حین پوشش خبری دیدار جمعه آرژانتین و هلند در محوطه مطبوعاتی ورزشگاه لوسیل از هوش رفت که تیم پزشکی بلافاصله پس از این اتفاق به او ماساژ قلبی دادند و به بیمارستان منتقلش کردند اما در نهایت، گران‌ت وال دیروز صبح درگذشت. دلایل فوت این خبرنگار آمریکایی در حال حاضر روشن نیست اما طبق برنامه‌ای که رسانه او منتشر کرده، او ۴۸ساله بوده است. برادر گران‌ت وال می‌گوید:«برادر من سالم بود. او تهدید به مرگ شده بود. من فکر می‌کنم او کشته شده است.»با این حال گران‌ت دوشنبه هفته گذشته، احساس بیماری برونشیت کرده و به بیمارستان مراجعه کرده بود و خودش از وضعیت سختش در آن روزها، صحبت کرده بود. گران‌ت وال خبرنگاری بود که به خاطر پوشیدن پیراهن رنگین‌کمانی، از حضورش در ورزشگاه محل برگزاری دیدار ولز – آمریکا جلوگیری شده بود.

#### گرد و خاک مسی بعد از بازی با هلند

درگیری و انتقاد ستاره تیم ملی فوتبال آرژانتین بعد از دیدار

